

یک دختر بهانه جنایت بود

# آخرین پلان از دوئل خونین ۲ رقیب عشقی



**گروه حوادث:** دور رقیب عشقی بخاطر یک دختر به جان هم افتادند و جنایتی شوم را رقم زدند. پسر جوان که رقیب عشقی اش را کشته بود به قصاص محکوم شد و حالا پس از ۶ سال روزنه امیدی به زندگی دوباره پیدا کرده است. **دعوی مرگبار** اوایل زمستان سال ۹۱ درگیری بین دو دوست در یکی از خیابان های جنوب تهران به خون کشیده شد و در آن درگیری مهدی ۲۸ ساله با ضربه چاقو به شکم اش زخمی شد. مهدی که به بیمارستان منتقل شده بود به خاطر شدت خونریزی به

## اخبار حوادث

### در ملاعام انجام شد اجرای حکم شلاق اعضای شورای شهر بابل

احکام تعدادی از متهمان پرونده شورای شهر بابل که در ایجاد فساد در شورادستگیر شده بودند صادر شد. ۱۳ شهروبر ماه امسال تعدادی از اعضای شورای شهر بابل با حکم قضایی و توسط نیروهای امنیتی سپاه بازداشت شدند. در ابتدا به علت عدم نامشخص بودن اتهامات این افراد شایعات گسترده‌ای در این خصوص شکل گرفت که در ابتدا شامل مسائق اقتصادی و در نهایت به مسائل اخلاقی و تسویه حساب جناحی کشیده شد. گمانه زنی‌ها در این خصوص ادامه داشت تا اینکه حجت الاسلام والمسلمین حسن روحانی، امام جمعه بابل به موضوع دستگیری اعضای شورا واکنش نشان داد و گفت: خدارحم کرد که این افراد این موقع رسوا شدند؛ این صحنه ناگهانی به وجود نیامد بلکه برخی از افراد درون شورا از مدت‌ها قبل این اقدام را انجام می‌دادند، آیا چشمانی ناظر این صحنه‌ها نبودند؟ از ماه‌های قبل در تریبون نماز جمعه گلایه کردم و به من توصیه کردند که نگویم اما من دهان خود را نبستم و نمی‌بندم، برخی از اعضای بازداشت‌شده ۳۷۰ میلیون تومان، ۴۵۰ میلیون تومان و همچنین یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان به این زن باج دادند، این پول‌ها از کجا آمده است؟ وی ادامه داد: این افراد در شورای شهر بابل همکاری برخی از افراد در بیرون، گردن کلفتی کردند و دام‌پهن کردند، پول‌های کلانی برای حذف فیلم‌های غیر اخلاقی خود ر شوه دادند و این خفت‌بارترین صحنه است که جانورهایی این چنین در این شهر نفوذ کنند. در نهایت مقام قضایی موضوع بازداشت برخی از اعضای شورای شهر بابل را تأیید کرد و رسیدگی به این پرونده آغاز شد.

اندخته بود گفت: من واقعا مهدی را مانند برادرم دوست داشتم. هرگز فکر نمی‌کردم چنین خیانتی به من کند و با دختر مورد علاقه من رابطه دوستانه برقرار کند. من مدت ۶ سال است که در زندان هستم و در این مدت با سختی فراوان توانستم رضایت اولیای دم را جلب کنم حالا از قضات دادگاه تقاضا دارم مرا ببخشند و در مجازات تخفیف قائل شوند. سپس وی به کیل وی به دفاع پرداخت و گفت: ناصر بعد از دستگیری از سوی دادگاه انقلاب نیز به خاطر حمل و توزیع مواد مخدر به زندان محکوم شده است از این رو در خواست تجمیع مجازات وی را دارم. بنابراین گزارش، در پایان جلسه هیات قضایی وارد شور شد تا رای صادر کند.

مدتی بود با دختر جوانی به نام حدیث آشنا شده بودم. من به او علاقمند بودم و قصد از دواج داشتم. وی افزود: من و حدیث سر موضوع کوچکی با هم بگو مگو کرده و بخاطر همین قهر بودیم. من از مهدی که دوست صمیمی ام بود خواستم تا با حدیث صحبت کنم و او را به ادامه رابطه دوستانه با من ترغیب کند اما مهدی خودش با حدیث رابطه دوستانه برقرار کرد و من از این ماجرا به شدت ناراحت شدم. وی ادامه داد: آخرین بار وقتی با مهدی در خیابان روبه رو شدم به سبب حمله کردم، من به او گفتم به من خیانت کرده و دختر مورد علاقه ام را از چنگم در آورده است. او هم فحاشی کرد و من با چاقو که همراه داشتم یک ضربه به شکم او زدم. وی در حالی که سرش را پایین

کام مرگ فرو رفت و ناصر به عنوان عامل جنایت از سوی شاهدان دستگیر شد. **رهایی از قصاص** ناصر در بازجوییها به قتل اعتراف کرد و پای میز محاکمه ایستاد. وی به درخواست اولیای دم به قصاص محکوم شد و در حالی که شش سال از این ماجرا گذشته و حکم قصاص ناصر در دیوان عالی کشور تأیید شده بود توانست با پرداخت دیه رضایت اولیای دم را جلب کند و از قصاص رهایی یابد. **آخرین دادگاه** ناصر دیروز از جنبه عمومی جرم در شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست قاضی زالی و با حضور یک مستشار پای میز محاکمه ایستاد. در این جلسه ناصر که حالا ۲۹ سال دارد در تشریح ماجرا گفت:



همیشه در برابر رفتار ش سکوت می‌کردم تا اینکه دیگر از کارها و رفتارهایش خسته شده بودم و خواستم به رفتارش پایان دهم. عامل این جنایت خیابانی گفت: روز حادثه میثم در خیابان مرادید و بدون هیچ مقدمه‌ای به من و خانواده فحاشی کرد که به رفتارش اعتراض کردم و در همین صحنه میثم با مشت ضربه‌ای به صورت تم زد. وی ادامه داد: عصبانی شده بودم و در حالیکه میثم در پیاده به سمت مغازه‌اش در حال حرکت بود به سمتش حمله کردم که

مدار بسته مغازه شیرآلات فروشی رفته و فیلم صحنه درگیری را مورد بازبینی قرار دادند. در این فیلم مشخص شد که میثم در پیاده روی جلوی مغازه شیرآلات فروشی در حال قدم زدن بود که مصطفی از پشت به سمت وی حمله کرده و میثم را از ناحیه کمر می‌گیرد که میثم ناخواسته برای فرار به سمت عقب رفته و به شیشه مغازه شیرآلات فروشی برخورد می‌کند که همین باعث شکسته شدن شیشه شده و میثم از ناحیه سر و گردن به شدت زخمی شده است. **اعترافات قاتل پسر جوان** مصطفی ۳۰ ساله پس از دستگیری به درگیری مرگبار میثم اعتراف کرد و به ماموران گفت: من و میثم در کار فروش شیرآلات و تجهیزات بودیم که از چندی قبل با هم دچار اختلاف شدیم. وی افزود: اختلافات ما ادامه داشت و در این مدت، میثم هر وقت مراد خیابان می‌دید بدون هیچ حرف و بهانه‌ای به من فحاشی می‌کرد که

## جزئیات جنایت خونین در بازار تهران

در این درگیری حضور داشت از سوی ماموران دستگیر شد. **درگیری مرگبار** میثم که توسط امدادگران به بیمارستان منتقل شده بود به خاطر خونریزی زیاد قبل از رسیدن به بیمارستان به کام مرگ فرو رفت و همین کافی بود تا باز پرس ویژه قتل دستور داد تا تیمی از ماموران اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران برای تحقیقات ویژه وارد عمل شوند. کارآگاهان با حضور در صحنه درگیری پی بردند که بین مصطفی و میثم در پیاده‌رو با هم درگیر شده‌اند که اندک در این صحنه میثم با شیشه و بترین مغازه شیرآلات برخورد کرده و همین باعث شکسته شدن و زخمی شدن میثم شده است و مصطفی ۲۰ ساله نیز در همان محل دستگیر شده است. **فیلم صحنه درگیری** کارآگاهان در گام نخست برای بررسی دقیق صحنه درگیری به سراغ دوربین

قتلی که ناخواسته بود

**گروه حوادث:** پسر جوان در یک اختلاف مالی با دوستش در خیابان خیام دست به یک درگیری خیابانی زد و ناخواسته صحنه قتل را رقم زد. همه دیدند که این دو مرد با هم گلاویز شده و به ویتترین مغازهای برخوردند و با شکسته شدن شیشه یکی از آنها کشته شد. **گزارشی از یک قتل** عقر به ساعت ۱۵ ظهر یکشنبه ۳۰ دی ماه سال جاری رانشان می‌داد که ماموران که ماموران کلانتری ۱۱۳ بازار در جریان درگیری خونین ۲ جوان در خیابان خیام قرار گرفتند. خیلی زود ماموران برای بررسی موضوع در محل حاضر شدند و با صحنه خونینی قرار گرفتند که مرد جوانی از ناحیه سر و گردن به شدت زخمی و دچار خونریزی شده است. جوان زخمی که میثم ۳۵ ساله است خیلی زود از سوی امدادگران اورژانس به بیمارستان منتقل شد و پسر جوان دیگری که

## آزادی مادر روانی در قتل کودکش



فرزندکشی بازداشت و هفته گذشته در شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه ایستاد. **در دادگاه** در جلسه دادگاه که به ریاست قاضی قربان زاده و با حضور یک مستشار برگزار شد نازنین در دادگاه به تشریح زندگی سختی که پشت سر گذاشته بود پرداخت. وی گفت: همسرم دچار توهم بود و علاوه بر مشکلات دیگری که داشت، می‌گفت چون دختر مشابهتی به او ندارد فرزند او نیست. بارها سر این موضوع با هم درگیر شده بودیم. من از اومی خواستم تا از مایش دی‌ان‌ای بدیم و حقیقت روشن شود اما قبول نمی‌کرد. شوهرم می‌گفت اگر پارمی‌دافرنزاد او بود حتما به او شبیه بود. در پایان جلسه هیات قضایی وارد شور شد و زن جوان را به ۱۳ ماه زندان با احتساب روزهای بازداشت محکوم کرد تا وی به زودی آزاد شود.

حکمی که دیروز صادر شد

**گروه حوادث:** مادر روانی که برای فرار از زندگی جهنمی با شوهر آفونی‌اش خود و دخترش را کشت و زنده ماند از زندان آزادی می‌شود. این زن جوان عامل قتل پسر ۱۸ ماهه شناخته شده بود که بعد از ۱۳ ماه زندان آزادی می‌شود. **سر نوشت در دناک** رسیدگی به این پرونده از دوم اردیبهشت ماه سال ۹۰ به دنبال انتقال پیکر نیمه جان یک زن جوان به نام نازنین به بیمارستان در دستور کار پلیس قرار گرفت. شوهر نازنین که وی را به بیمارستان منتقل کرده بود گفت: وقتی به خانه برگشتم با پیکر نیمه جان همسرم روبه‌رو شدم و فهمیدم او چندین بسته قرص ترامادول خورده و دختر یک و نیم ساله‌مان را نیز با روسری خفه کرده است. **نجات معجزه آسا** زن جوان تحت درمان قرار گرفت و معجزه‌آسا زنده ماند و به قتل فرزند یک سال و نیمه‌اش اعتراف کرد و گفت قصد داشته خودش و کودکش را از این زندگی خلاص کند. **دیوانگی قاتل** این زن به پزشکی قانونی معرفی شد و کارشناسان پزشکی قانونی در گزارش اعلام کردند وی به اختلال خلقی مبتلاست و مسئول اعمال خود نبوده است. **بخشش** بدین ترتیب، پرونده‌اش به دادگاه فرستاده شد اما قضات دادگاه این نظر را نپذیرفتند و نازنین را به کمیسیون پنج نفره پزشکی قانونی معرفی کردند. در این میان همسر نازنین از وی جدا شده بود اعلام گذشت کرد. **دیوانه نیست** نازنین باقرار وثیقه آزاد شد اما وقتی کمیسیون پنج نفره پزشکی قانونی در گزارشی اعلام کرد وی اگر چه دچار اختلال خلقی است اما مسئول اعمال خود نبوده نازنین به اتهام

## مرگ خاموش مرد گمشده زیر آوار یک خانه



آوار ساختمان قدیمی ماموران تحقیقات میدانی را در ساختمان ویران شده آغاز کردند و در این مرحله تیمی از ماموران سازمان آتش‌نشانی آبادان برای کمک به ماموران پلیس پای در محل گذاشتند. آتش نشانان شروع به جستجو در ساختمان ویران شده کردند که موفق به پیدا کردن جسد یوسف که زیر آوار ساختمان دفن شده بود پیدا کردند. با توجه به مرز بودن این صحنه تیمی از ماموران پلیس آگاهی آبادان برای افضای راز این صحنه مرزومز وارد عمل شدند. بنا به این گزارش، باز پرس ویژه قتل در این مرحله دستور داد تا جسد یوسف برای بررسی علت مرگ به پزشکی قانونی منتقل شود و تحقیقات برای علت ریزش آوار ساختمان قدیمی ادامه دارد.

هیچ کس نمی‌دانست یوسف کجاست؟

**گروه حوادث:** جسد مرد آبادانی که ۸ روز قبل ناپدید شده بود در سناریوی عجیبی زیر آوار یک ساختمان قدیمی پیدا شد. **گم شدن یک مرد** روز ۲۲ دی ماه سال جاری خانواده‌ای با مراجعه به ماموران پلیس آبادان از ناپدید شدن پسرشان که مردی ۳۳ ساله است خبر دادند. زن جوان به ماموران گفت: چند سال قبل یوسف به خواستگاری آمد و ما با هم ازدواج کردیم و در کنار شوهرم زندگی خوبی داشتیم و در این سالها صاحب ۳ فرزند شدیم. وی افزود: در روستای حفار آبادان زندگی می‌کردیم و شوهرم به عنوان یک کارگر در شهرک صنعتی خرمشهر کار می‌کرد تا اینکه روز ۱۷ دی ماه سال جاری شوهرم با چهره‌ای آشفته به خانه بازگشت و از او شنیدم که از کار بیکار شده و از شهرک صنعتی اخراج شده است. زن جوان ادامه داد: یوسف چند روزی حال خوشی نداشت تا اینکه شوهرم از خانه خارج شد و دیگر به خانه بازنگشت و هر چه به موپایش تماس گرفتم پاسخی نشنیدم و نگران سر نوشت شوهرم هستم. **ردیابی های پلیسی** بدین ترتیب تیمی از ماموران پلیس آبادان برای پیدا کردن مرد گمشده وارد عمل شدند و در تحقیقات ابتدایی مشخص شد که یوسف یک خودرو دارد و روز ناپدید شدنش سوار بر خودرویش از خانه خارج شده است. تجسس های پلیسی ادامه داشت و ماموران شماره پلاک خودروی یوسف را در اختیار تیم های گشت پلیسی قرار دادند تا اینکه روز ۳۰ دی ماه خودروی مرد گمشده در برابر یک ساختمان ویران شده قرار گرفتند. **جسدی زیر آوار** با توجه به مرز بودن این صحنه و ریخته شدن

این پرونده صادر شده است.